

هدیایی مجلل اند آکنده از عشق جنسی). خصوصیتِ کاربردی زیورآلات نیازمندِ ارزشِ مادی بی اندازه‌ی آنهاست و به تنهایی نشان‌گر بی معنایی زیباترین بدلی جاتی اند که تقریباً بی فایده‌اند.

دو. کیش‌ها مستلزمِ هدر دادنِ خونینِ انسان‌ها و حیوان‌ها در قربانی‌گری هستند. قربانی‌گری از نظرِ ریشه‌شناسی چیزی مگر جز تولید کردنِ چیزهای قدسی است؟

از همان آغاز، این‌طور به نظر می‌رسد که چیزهای قدسی عملیات اتلاف را می‌سازد: به‌طور خاص، پیروزی مسیحیت را باید با ارزشِ درون‌مایه‌ی مصلوب شدنِ ننگ‌آورِ پسرِ خدا [مسیح] توضیح داد، که خوفِ انسانی را به بازنمایی اتلاف و زوالِ بی‌حد و حصر سوق می‌دهد.

سه. به‌طور کلی اتلاف در بازی‌های رقابتی گوناگون تحتِ شرایطِ پیچیده‌ای تولید می‌شود. مقدارِ زیادی پول برای نگه‌داری اماکن، حیوانات، تجهیزات و انسان‌ها خرج می‌شود. تا جای ممکن انرژی بر باد می‌رود تا در هر حال با شدتی بی‌نهایت بیشتر از شرکت‌های تولیدی حسِ بهت و گیجی تولید شود. خطرِ مرگ دفع نمی‌شود؛ برعکس، این خطرِ ابژه‌ی جذابیتِ ناخودآگاهانه‌ی نیرومندی است. به‌علاوه، مسابقات نیز گاه فرصتی برای توزیعِ همگانی جوایز هستند. جمعیت‌های عظیمی حاضرند؛ شورمندی‌شان اغلبِ ورای هر قیدوبندی فوران می‌کند و اتلافِ مقدارِ دیوانه‌واری پول در قالبِ شرط‌بندی به حرکت درمی‌آید. درست است که این گردش پول به شمار اندکی از کسانی که شرط می‌بندند سود می‌رساند، اما این گردش را می‌توان بهای واقعی شورهایی دانست که به واسطه‌ی مسابقه‌رها می‌شوند و میانِ تعدادِ زیادی از همان آدم‌ها به اتلاف‌های نامتناسب با استطاعت مالی‌شان منجر می‌شود؛ این همه اتلاف حتا به سطحی از جنون می‌رسد که اغلب تنها راهِ باقی‌مانده برای قماربازها زندان یا مرگ است. ورای این